

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق روزنامه

پنجشنبه ۸ آبان ۱۴۰۴ • ۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ • ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۴۲ • ۱۲ صفحه • ۶:۲۵ ظه‌ر تهران ۱۱:۴۸ • آذان مغرب ۱۷:۰۲ • آذان صبح فردا ۵:۰۱ • طلوع آفتاب ۶:۲۵

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

یادبود ناصر تقوایی برگزار شد

به احترام ناخدای کشتی سینمای مستقل ایران

اصغر فرهادی: فیلم‌های تقوایی دغدغه امروز هستند

در ادامه این مراسم یادبود، اصغر فرهادی در پیامی ویدئویی گفت: «آقای تقوایی همواره جایگاه ویژه‌ای در ذهن من داشتند؛ زیرا از معدود سینماگرانی هستند که بسیار در دوران خودشان معاصر بودند، یعنی ما می‌توانیم آثارشان را به دیگران و مخصوصا به نسل‌های دیگر پیشنهاد کنیم».

وی تاکید کرد: «نسل‌های مختلف می‌توانند فیلم‌های آقای تقوایی را درک کنند و به اندازه ما درگیر فیلم شوند. فیلم‌های ناصر تقوایی همچنان دغدغه امروز است و این معاصر بودن امتیاز ویژه‌ای برای وی ایجاد کرده است». فرهادی در پایان بیان کرد: «ما یکی از مهم‌ترین فیلم‌سازان کشورمان را از دست دادیم. کسی که در کنار آقای مهرجویی و هم‌نسلان خودش سنگ بنای نهادند که سینمای ما تاکنون بر آن استوار است». در ادامه علیرضا داوودنژاد نیز روی سن آمد و گفت: «حال خوبی ندارم و می‌خواهم حرف آخرم را در ابتدا بگویم. سینما و رسانه ما ورشکسته است و این ورشکستگی منظومه هنری-رسانه‌ای ما آن روی سکه منزوی کردن و محروم‌کردن تقوایی از فیلم‌ساختن و مخاطب بود». او در بخش دیگری از سخنانش گفت: «مطمئن هستم که روح تقوایی اکنون لبخند می‌زند؛ زیرا او آموزه‌ای از وارستگی و احترام بود و من کسی مانند او را ندیدم».

هیچ حرفی نباشد

در ادامه محسن امیریوسفی، نایب‌رئیس خانه سینما، از اتفاقات پس از مرگ تقوایی گفت: «آقای تقوایی دو روز بعد از رفتن شما، در روز خاکسپاری‌تان به ما گفتند هیچ حرفی نباشدا ولی شما با همین سه کلمه مراسمی چنان ماندگار ساختید».

محسن امیریوسفی اتفاق صنفی‌ای را که در روزهای پس از مرگ ناصر تقوایی رخ داد، چنین توصیف کرد: «در ششمین روز رفتن شما، اتفاقی غیرمنتظره افتاد. در این روز کانون کارگردانان سینمای ایران و دو صنف سینمایی دیگر خواهان حذف پروانه ساخت و ازبین‌رفتن ممیزی فیلم‌نامه شدند؛ اتفاقی منحصربه‌فرد در تاریخ سینمای ایران که به طرز غریبی بعد از رفتن شما انجام شد و در عزای رفتن شما نقطه امیدی کوچک برای سینمای ایران ساخت. ولی انکار جمله ماندگار شما سینما را رها نکرد و دو روز بعدتر، در هشتمین روز رفتن شما، اتفاقی بزرگ‌تر افتاد و ۱۶ صنف سینمایی دیگر هم خواستار حذف پروانه ساخت و پایان ممیزی فیلم‌نامه در سینما شدند که مجموع آنها به ۱۹ صنف سینمایی رسید. آقای تقوایی عزیز می‌بیند که شما هنوز هم در حال کارگردانی ما و ناخدایی کشتی سینمای مستقل ایران هستید».

یکی از باشکوه‌ترین مراسم‌های یادبود برای ناصر تقوایی برگزار شد. بسیاری از مردم و اهالی سینما آمدند؛ مانند روز تشییع او. بسیاری از دور دست‌ها برای رفتن، یادگاری‌هایش و میراثش در سینما و فرهنگ ایران پیام فرستادند و سخن گفتند. این مراسم فرصتی بود تا بسیاری به یاد بیاورند هنر و سینمای ایران چه کوه‌های گران‌قدری دارد؛ از اصغر

فرهادی و بهرام بیضایی تا آنان که در ایران هستند.

این مراسم غیر از پیام‌ها و یادکردن از ناصر تقوایی، مرور دوباره سینمای ناب و هنر رها و مستقل بود؛ هنری که در چارچوب نمی‌گنجد و محدود نمی‌شود، سینمایی که می‌تواند فراتر از محدودیت‌ها شکل بگیرد. همان سنج و دما می که این بار در خانه هنرمندان نواخته شد، همان حیف و اندوهی که در سخن و کلام سینماگران بود، به ما یادآوری کرد که گاهی چقدر زود، دیر می‌شود.

بیضایی: تقوایی نور چشمی کسی نبود

مجیدبرزگر اجرای این مراسم را بر عهده داشت. پیامی ویدئویی از بهرام بیضایی از بخش‌های آغازین مراسم بود. او گفت: «تقوایی بودن تقوایی را به مجلس یادبود او تریک عرض می‌کنم. بزرگداشت هر فیلم‌سازی با یادی از فیلم‌هایش و نوکردن آثارش باید همراه باشد. امکانی که در کشور ما گاه از کسانی گرفته شده و به کسانی دیگر واگذار شده است. تقوایی هرگز نور چشمی کسی نبود و روزگاری قلم‌دزدانی در یکی از مراسم‌ها گفتند که تقوایی و بیضایی خودشان نمی‌خواهند فیلم بسازند، اما غلط از آنها بود که به احترام هنر و فرهنگ نخواستند در لجن غوطه بخورند».



سال‌ها پیش فاروج در خراسان شمالی به تاکستان‌هایش معروف بود، اما خشکسالی‌های مداوم و نیاز به آبیاری غرقابی و مشکلات دیگر از جمله عدم خرید تضمینی گشمش باعث شده است که کشاورزان منطقه به کشت پیاز زعفران رو بیاورند. شهرستان فاروج با ۴۰۰ هکتار مزرعه بیشترین سطح زیرکشت این محصول را در استان به خود اختصاص داده است و سالانه قریب به ۱۳ تن زعفران از این مزارع برداشت می‌شود. عکس: پیمان حمیدی پورمیزان

طنزخوانی

سفر کردم که از یادمبری

گیر قسطش افتادم



آیدین سیار سریع

سایت قرارو در گزارشی به پدیده «سفر قسطی» پرداخته و از آژانس‌های مسافرتی‌ای نوشته که با شعار «الان برو، سال بعد پرداخت کن» اقدام به جذب مشتری می‌کنند. من کاری به بقیه جنبه‌های این قضیه ندارم، فقط هرچه فکر می‌کنم متوجه معنی این شعار تبلیغاتی نمی‌شوم. اوکی. حرف شما را گوش می‌کنیم و الان می‌رویم سفر، ولی از کجا معلوم سال دیگر بتوانیم بدهیم؟ ما دو تومان که از رفیق‌مان قرض می‌گیریم، معلوم نیست هفته بعد بتوانیم برگردانیم یا نه. رفیق بدبخت شب‌ها در تعلیق اینکه می‌دهیم یا نمی‌دهیم خوابش نمی‌برد. آن‌وقت شما چه دل کنده‌ای دارید که به سال بعد ما امید بسته‌اید! مگر زندگی ما بر این اصل استوار نیست که هر سال وضع مالی‌مان بدتر شود؟ آن‌وقت شما روی چه حساب می‌گویید سال بعد بده؟ سال بعد از اقبال بدتر. به نظرم دارید ریسک بزرگی می‌کنید، به‌هرحال خودتان می‌دانید ولی به نظر من آژانس ماژانسن. آیت‌ده ندارد. دورتان بگردم، الان کی سفر می‌رود؟ کی وسعش می‌رسد سفر برود؟ از جزئیات زندگی بقیه اطلاع دقیق ندارم ولی من بشخصه اگر بخوام از آتیش‌خانه به دستشویی خانه‌ام سفر کنم، باز هم پنج تومان کم می‌آورم. الان وضعیت ما جوری است که کیش و قسم برایمان خارج است، شمال هم داخل. با اینکه خارج را آورده‌ایم داخل، باز هم باید جیب‌مان را بچلاییم و دو دو تا چهار تا بکنیم تا ببینیم می‌توانیم برویم یا نه. الان ملت شمال که می‌خواهند بروند، همه چیز را خودشان می‌برند تا هزینه نکنند. فردا اگر دریا پولی بشود، به غیر از نان لواش و گاز پینکیکی و چادر و اسپیکر، باید از یک جایی دریا جور کنند ببرند. به این دلایل است که ما کم‌کم باید دور سفر را خط بکشیم و برویم سمت «سیر». سیر اقاق و انفس. البته با این درآمدها، اقاق را بعید می‌دانم ولی با

بهینه‌سازی مصرف خانوار، احتمالا انفس را بتوانیم برویم. با این حساب شعار تبلیغاتی آژانس‌های مسافرتی می‌شود: «هم‌وطن! در درون سفر کن»، «با ما به سر به داخلت بزن»، «الان سیر انفس کن، سال بعد پرداخت کن». جدا از این مسائل باید به فکر قسط‌هایمان هم باشیم. در کل اوضاع جالبی است. همه‌جای دنیا قسط می‌دهند که در آینده صاحب‌خانه شوند، ما اینجا قسط می‌دهیم که مخلوط‌کن و گوش‌یخیرم و در نهایت یک سفری هم برویم. قسط‌ها دارند زیاد می‌شوند. منابع ما هم محدود. فعلا دست نگه دارید و در ذهنتان شهرها را تصور کنید (یا در گوگل‌مپ عکس شهرها را ببینید) تا بعد ببینیم چه پیش می‌آید.

سبزخوانی

فک‌های خزری می‌میرند

از ابتدای سال تاکنون جسد ۶۰ فک خزری پیدا شده است. حالا و در پی افزایش نگران‌کننده تلفات فوک خزری در سواحل جنوبی دریای خزر، گشت دریایی مشترک با هدف پایش دقیق و شناسایی لاشه‌های تازه این گونه در خطر انقراض، دیروز به‌صورت یک‌روزه در آب‌های ساحلی استان گیلان انجام شد. به گزارش خبرگزاری مهر، این عملیات با تمرکز بر مناطق بحرانی و بررسی دقیق سواحل انزلی، رشت و کباشهر که بیشترین میزان تلفات فوک خزری در ماه‌های اخیر از آنها گزارش شده تا عمق ۲۰۰ متر از آب دریا صورت گرفت. هدف اصلی این گشت، یافتن لاشه‌های تازه جهت انجام بررسی‌های تخصصی و کالبدگشایی علمی بود. لاشه‌های مشاهده‌شده دچار پوسیدگی شدید یا تورم بوده‌اند و امکان نمونه‌برداری علمی از آنها وجود نداشت، براساس آمار رسمی، از ابتدای سال جاری تاکنون لاشه ۶۰ قلاده فوک خزری در سواحل استان گیلان مشاهده شده که حدود دوسوم آنها در بازه زمانی ۲۰ شهریور تا پنج آبان گزارش شده است. لاشه‌های تازه در صورت کشف، به مرکز حفاظت فوک خزری منتقل خواهند شد تا با انجام آزمایش‌های تخصصی، علت دقیق مرگومیر این پستانداران دریایی مشخص شود.

یادداشت

چه خوب که زنده‌ام!

تغییری هدفمند می‌بینم که ملت پیروز به خیلی از اهداف از پیش تعیین‌شده خود رسیده‌اند. اما در کشور من چالش‌های فراوانی جامعه را در دست‌اندا‌های گوناگون گرفتار کرده و تلاش برای بیرون آمدن از آن نیازمند کمک‌هایی غیر از توان فردی است. تاریخ را که مرور می‌کنم، هر زمانی که دولت‌ها مسیری برخلاف مسیر ملت خود برگزیده‌اند، ناچار به کناره‌گیری شده‌اند. گویند تاریخ عبرت‌آور است و پیشینیان، معلم آیندگانی هستند که به سمت «تحول‌خواهی» در حرکت‌اند. از این منظر در کجای تاریخ ایستاده‌ایم که افق را نادیده می‌انگاریم. آنجا که تاریخ بر نردبان سیاست منتهی بر بام ترقی است، ما حفر دست‌اندا‌زهایی برای جلوگیری از سرعت علم و عمل هستیم. هر روز که با تاریخ کشورم عجین‌تر می‌شوم، سیاست امروز سیاستون مرا پس می‌زند و به گذشته‌های دور می‌اندازد و تمس‌ن را در من پررنگ‌تر می‌کند. کتاب تاریخ من فضلی ندارد که در قیاس با رویدادها خواندنی باشد، بلکه برعکس، هر روز من تاریخی است که عبرت آن برای دولت و ملت‌ن سرآغاز روشننگری است و بر لحظه لحظه زندگی می‌تابد، به آن امید که به اغای هر چنان و دسته‌ای بینجامد و هر تصمیمی را بر جامعه مستولی نکند. دست آخر مورخ نیکم بلکه واعظ هشتم برای نادیدگان و ناشنوندگانی که واقعیت‌های روزانه را سهوا یا عمدا به کوچه دیگری هدایت می‌کنند و در بن‌بست سیاسی گرفتار می‌شوند.

وحید معتمدزاد: چه خوب که زنده‌ام و سیر تاریخ را با چشمان خودم می‌بینم، نیازی به تورق در لابه‌لای کتاب‌های قطور تاریخ ندارم و نیز نیاز به «سرج» در دنیای مجازی را احساس نمی‌کنم؛ به عبارت‌ی تاریخ را بغل کرده‌ام و با حسرت و آه در کنارش زندگی می‌کنم. تاریخ را هضم نمی‌کنم، به ناچار می‌بلعم. تاریخ را اگر تنها مربوط به گذشته بدانیم که این‌طور نیست، در هیچ کجای تاریخ گذشته که امروز ارث به من رسیده است، فصلی از «تکرار تجربه» به چشم نمی‌خورد و تاریخ همان تاریخ عبور از هر اتفاق و حادثه‌ای است که در بطن جامعه، دولت‌مردان را به «خودآگاهی» و سپس چاره‌اندیشی وامی‌دارد، رفتارها را بازسازی می‌کند و سپس جامعه را به نوگرایی سوق می‌دهد. به تسلسل تاریخ و سلسله‌هایی فکر می‌کنم که تعقل سیاسی را ولو در برهه‌ای از زمان، آن هم به صورت پایدار سرلوحه خود قرار دادند و بر پایداری نسبی خود صحه گذاشتند، مانند‌ند و هرچند ماندگار نشدند اما صورتی خوش در اذهان ملت بر جای گذاشتند. تاریخ را اگر بخوانیم و بدانیم، درخواستیم یافت که جامعه سیاسی ایران برخلاف سایر جوامع ازجمله اروپا و سایر ملل که جنبه ثبات داشته است، همیشه بر پایه بی‌ثباتی و زودگذر بنا شده و بدین لحاظ مایه اصلی تفاوت با سایر جوامع است. با هرج‌ومرج در تاریخ جهان شبیه آنچه در کشور خودم می‌بینم، کمتر روبه‌رو شده‌ام. آن فصل که به تاریخ انقلاب‌های جهان مربوط می‌شود، بنای آن را استوار بر

۶ درجه

اداره کل هواشناسی استان تهران با صدور هشدار سطح زرد از «نفوذ سامانه بارشی و بروز ناپایداری‌های مختلف» و «نفوذ توده هوای سرد» به‌ویژه در مناطق شمالی استان تهران از عصر پنجشنبه (هشتم آبان) تا صبح شنبه (۱۰ آبان) خبر داد. این شرایط با کاهش محسوس دما در نیمه شمالی استان به‌طور میانگین بین چهار تا شش درجه سلسیوس و در نیمه جنوبی به‌طور میانگین بین سه تا پنج درجه سلسیوس همراه می‌شود و می‌تواند منجر به بروز تنش دمایی و یخبندان موقت سطح زمین در دامنه‌ها و ارتفاعات استان شود. کنترل دمای گلخانه‌ها و سالن‌های پرورش قارچ و طیور و دامداری‌ها، به‌رپز از کوه‌نوردی به‌ویژه صعود به قله‌ها، عایق‌بندی لوله‌ها و سیستم‌های آب‌رسانی و استفاده از ضد یخ در خودرو و تأسیسات حساس به دما در دامنه‌ها و ارتفاعات و مدیریت حامل‌های انرژی به‌ویژه گاز و برق در این شرایط توصیه شده است.

۲۶ میلیارد

فوربز در گزارشی تحقیقی فاش کرده است گروهی متشکل از ۲۶ میلیارد آمریکایی میلیون‌ها دلار اهدا کرده‌اند تا مانع از پیروزی زهران ممدانی، نامزد مترقی و ضد سرمایه‌داری برای شهرداری نیویورک شوند. براساس داده‌های رسمی کمیسیون انتخابات نیویورک و فدرال، این میلیاردرها در مجموع بیش از ۲۲ میلیون دلار در به‌گروه‌های ضد ممدانی پرداخت کرده‌اند. در فهرست اهدکندگان، چهره‌های شناخته‌شده‌ای مانند مایکل بلومبرگ (شهردار پیشین نیویورک) حدود ۸.۳ میلیون دلار، بیل اکمن (سرمایه‌گذار) حدود ۱.۷ میلیون دلار و وارث برند استی لودر مبلغ ۲.۶ میلیون برای این هدف کمک کرده‌اند. فوربز می‌نویسد این اهدا‌ها در پاسخ به مواضع ضد سرمایه‌داری و طرفدار مستأجران ممدانی انجام شده است. آنان این اقدام را «دفاع از ثبات اقتصادی و نظم شهری» توصیف می‌کنند.

آدرس: پاسداران، خیابان شهید اخوان (انتهای بوستان دوم)، بعد از متروی زین الدین،

خیابان شهید افشاری یا سادوش، کوچه بوستان دهم شرقی، پلاک ۴ و ۱۱

تلفن: ۲۲۹۴۲۱۳۲ - ۲۲۹۴۷۰۱۴

در همین کوچه